فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی
سیاسی، اقتصادی صبح ایران

۱۶ صفحه
۶۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۲۴۶
شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۷
۱۷ رمضان ۱۴۳۹
دوم ژوئن ۲۰۱۸
شماره ۲۵۰۸

www.Fdn.ir | Sat | 2 Jun 2018 | vol.10 | No. 2508 | 16 Pages

واکاوی کلید واژه‌های پرتکرار دانشجویان در دیدار با رهبر معظم انقلاب

عدالتخواهی، آزادی و کارآمدی ۳ راس مطالبات

صفحه ۸ را بخوانید

رکورد تازه انتقاد ناپذیری طراحان برجام

■ انتقادهای صریح و سازنده عضو هیات نظارت بر برجام با واکنش‌های تند و عصبی برخی نزدیکان دولت همراه شد

صفحه ۳ را بخوانید

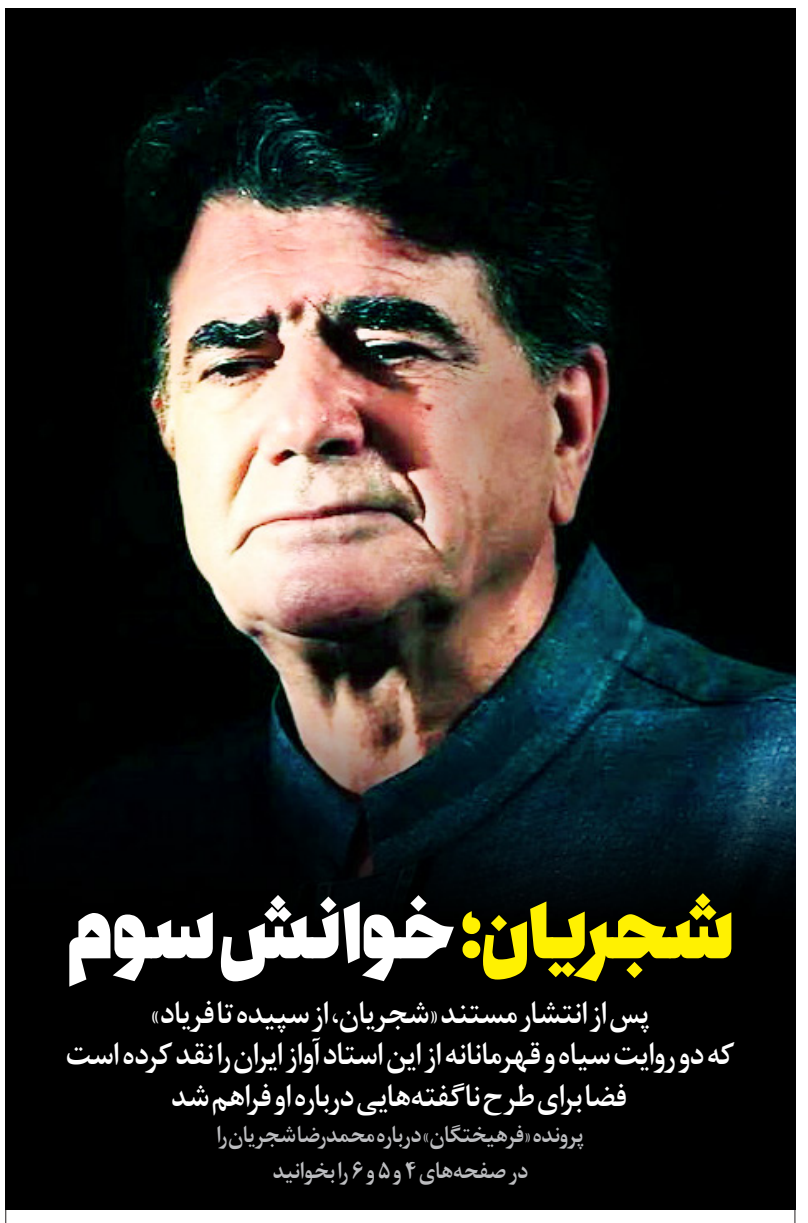

شجریان: خوانش سوم

پس از انتشار مستند «شجریان، از سپیده تا فریاد» که دو روایت سیاه و قهرمانانه از این استاد آواز ایران را نقد کرده است فضا برای طرح ناگفته‌هایی درباره او فراهم شد

پرونده «فرهیختگان» درباره محمدرضا شجریان را در صفحه‌های ۴ و ۵ و ۶ را بخوانید

در شرایطی که مسئولان اجرایی نگرانی زیادی از آینده همکاری‌های اقتصادی با آمریکا و اروپا دارند، فرصت‌های بسیاری در همسایگی ایران وجود دارد

بازار هزار میلیارد دلاری ۱۵ کشور همسایه سهم ایران: فقط ۲ درصد

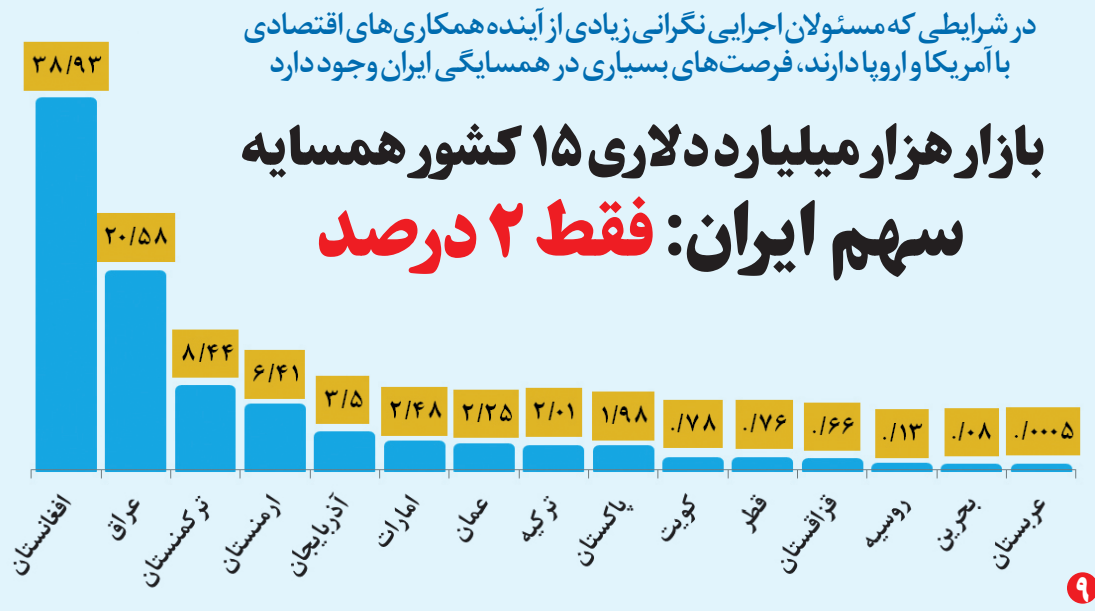

۹

پشت‌پرده جنگ تعرفه‌ای کاخ سفید

سلاح آمریکا به سمت هم‌پیمانان

۱۱

در مسیر جام جهانی

هنر مالغو کردن بازی‌هاست

۱۴

سال‌هاست که به دستور نیروی انتظامی صنوف ساعت ۱۲ نیمه‌شب باید تعطیل شوند

زندگی فقط تا ساعت صفر!

۷

حاشیه‌نگاری «فرهیختگان» از دیدار شعرا با رهبر انقلاب

روز درخشش تازه‌نفس‌ها

۱۳

معین احمدیان
دبیر فرهنگی

در قصه طوطی و بازرگان، مولوی در جایی به علت در بند شدن طوطی یاد می‌کند: «زانک آوازت ترا در بند کرد» و در همان قصه به بند محکم شهرت که بر دست و پای آدمی است، اشاره دارد و درخصوص شهرت آدمی ادامه می‌دهد: «دشمنان او را ز غیرت می‌درند، دوستان هم روزگارش می‌برند.» شهرت و شجریان از هم جداناشدنی‌اند و صدالبته که محمدرضا شجریان در سال‌های اخیر به‌خاطر مواضع و اظهارنظرهای سیاسی‌اش، به پدیده‌ای فراتر از هنر آوازخوانی‌اش شهرت یافت؛ مساله‌ای که باعث شده حرف‌زدن از خواننده پرآوازه موسیقی معاصر ایران در انحصار دو نوع روایت سیاسی قرار گیرد؛ یکی او را طردشده از حاکمیت و منجی جریان سیاسی خود تعبیر کرد و دیگری هم منفعلانه مقابلش ایستاد و او را در جایگاه اپوزیسیون سیاسی به نقد کشید. عمده‌روایت‌هایی که مبتنی‌بر نظرات سیاسی هرباره شجریان، او را بازخوانی و پیشینه و آثار هنری‌اش را تحلیل می‌کردند از روزهای پرتنش سال ۸۸ شروع شد و قصه خواننده مشهور ایرانی در دو سوی ماجرا هرچه پیش رفت، پیچیده‌تر شد. در این میان شیوه تعامل شجریان با رسانه‌ها، اوضاع را بدتر کرد و اظهارنظرهایش هم مورد سوءاستفاده سیاسی قرار گرفت. مستند بی‌بی‌سی فارسی و بعدتر شبکه صدای آمریکا سراغ شجریانی رفتند که حرف‌های سیاسی می‌زد و این حرف‌ها در روزهایی زده می‌شد که اظهارنظرهای رادیکالی سیاست‌بازان به صحبت‌های شجریان الصاق و در رسانه‌ها به شکلی گل‌درشت رونمایی می‌شد. بعدها هم که شجریان از بازی کنار کشید، پدیده‌ای که از او در رسانه‌ها شکل گرفته بود، همچنان مخدوش و پر از سوءتفاهم ادامه مسیر داد. البته محمدرضا شجریان در سال ۹۵ در گفت‌وگو با حمیدرضا نوربخش در روزنامه «ایران»، حصار دو نوع تعبیری را که راجع به او می‌شد، شکست و در همان مصاحبه گفت: «در نظام جمهوری اسلامی که همه آن را پذیرفتند، یک آدمی می‌آید یک کار اشتباهی می‌کند. ما به او تذکر می‌دهیم. این تذکر دلیل آن نیست که با نظام جمهوریت مخالفیم. این آدم اشتباهی کرده و دروغی گفته است، به او تذکری می‌دهیم. یا وقتی به یک نفر می‌گوییم تو حق توهین کردن به مردم را نداری، این درافتادن با کل نظام نیست. عده‌ای می‌خواهند سوءاستفاده کنند که چون این شخص به وزیر یا رئیس‌جمهور گفته این کار را اشتباه انجام دادی، پس این آدم با اصل جمهوری مخالف است که این ستم است.» اما این آخرین مصاحبه مهم شجریان هم نتوانست او را از بند تعابیر سیاسی خلاص کند و همچنان تصویر و هنرش به‌واسطه اظهارات تند و تیزش در روزهای ۸۸ در گرو یک جریان سیاسی باقی ماند. شجریان بعد از آن مصاحبه مشهور، تنش به رنج بیماری سرطان گرفتار شد و دیگر مجالی نیافت برای هموطنانش بخواند یا بار دیگر در بازار سیاست، اظهارنظر کند.

چند سالی است که در روزهای ماه رمضان، نام شجریان بیشتر بر سر زبان‌ها می‌افتد آن‌هم به‌واسطه حذف «ربنا»ی او از تلویزیون که همچنان درگیر و دار سوءتفاهم‌ها و اعمال سلیقه مدیران تلویزیون، پخش نمی‌شود. اتفاقا مصادف با همین ایام، مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» در فضای مجازی منتشر شده است؛ مستندی که روایت‌های مخدوش از شجریان و تعاملش با اهل سیاست و رسانه را دوباره‌خوانی می‌کند؛ روایت سومی که سراغ سوءتفاهم‌ها و پیش‌فرض‌های رسانه‌ای درخصوص شجریان رفته است. مستندساز واقع‌بین نسبت به وقار هنری شجریان در جایی ایستاده که تعامل مردم، مدیران فرهنگی و حتی سیاستمداران را با پدیده‌ای به‌نام شجریان رصد می‌کند و ماحصلش تکریم جایگاه هنری شجریان است و البته به‌خاطر نوع سوژه نمی‌تواند پرداختی سیاسی نداشته باشد. وجه دیگر از واقع‌بینی مستند به این است که صاحب اثر پذیرفته که اهل هنر تهی از نظرات و موضع‌گیری سیاسی و اجتماعی نیست و شجریان طبیعتا درمورد مسائل پیرامونش، ممکن است نظرات سیاسی متفاوت از ساختارهای رسمی حاکمیت داشته باشد، ولی از طرفی هم قائل به این امر است که نظر هنرمند در مسائل سیاسی حتمی نیست و اگر به شکل رادیکالی با آن برخورد شود، وضعیت را در هر دو سوی ماجرای «هنرمند و حاکمیت» بغرنج می‌کند. مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» در فضای رسانه‌ای با بازخوردهای متفاوتی مواجه شده و البته شدت انتقادها، بیشتر از جانب جریان‌هایی است که همچنان تلاش دارند شجریان خواننده موسیقی را در انحصار روایت جناح سیاسی خود نگاه دارند.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای سجاد بلوکات
عضو شورای سردبیری روزنامه فرهیختگان

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته و از خداوند رحمان و غفار برای آن مرحومه، رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و سلامت آرزومندیم.

همکاران شما در روزنامه

تحلیل

بن‌بست‌شکنی در ماجرای خروج آمریکا از برجام

صالح اسکندری
سرپرست سازمان چاپ و مسئول امور رسانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی

۱- در طلیعه این نوشتار باید مشخص کنیم که روی سخن راقم این سطور هموطنان میهن‌دوست و طرفداران نظام و انقلاب است که پابه‌پای جانفشانی‌های این ملت عزیز در هشت سال دفاع مقدس، دوران سازندگی و در مقطع مهم دفاع از حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام ایستادند و سر تعظیم در برابر دشمنان این ملت فرود نیاوردند. مجموعه نیروهای معتقد به انقلاب و نظام اگر انتقادی هم دارند از سر دلسوزی برای کشور است و لحظه‌ای در تقویت موقعیت رو به رشد جمهوری اسلامی تردید نکرده و نخواهند کرد. از این رو مخاطب این قلم، عناصر ضدانقلاب و فراری نظیر آن فرد لندن‌نشین که در کنار رودخانه تایمز و زیر پرچم امپراتوری بریتانیا از جوار خانه شماره ۱۰ داوینینگ‌استریت برای ملت ایران هرازگاهی اظهار لحیه می‌کند که کذا و کذا، نیست؛ همان کسی که در پناه جمهوری اسلامی به مقامات عالی رسید اما امروز بازیچه رسانه‌های مرتجع عربی شده و بنا به اسناد افشاشده در ویکی‌لیکس، هزینه بورسیه فرزندش را سعودی‌ها می‌دهند و هرچند وقت یک‌بار رهنمودی صادر می‌کند. این دسته مطمئنا ارزش پاسخ دادن ندارند و حوصله خوانندگان ارجمندتر است.

۲- برخی رسانه‌ها پس از اظهارات راهبردی، متقن و بن‌بست‌شکن دکتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل، در آسیب‌شناسی تجربه برجام و تبیین مواضع مقام معظم رهبری در چهارشنبه گذشته در موسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی با طرح این سوال که «اگر نسخه فارسی در برجام ضروری بود، پس چرا قطعنامه ۵۹۸ نسخه فارسی ندارد؟!» اقدام به یک پروپاگاندای عجولانه، غیرکارشناسی و ساده‌لوحانه کردند که جایگاه و شأن رسانه‌ای آنها و گردانندگان‌شان را زیر سوال می‌برد. ۵۹۸ شماره یکی از قطعنامه‌های شورای امنیت است و همواره اسناد و قطعنامه‌های شورای امنیت به زبان‌های رسمی سازمان‌ملل که مشتمل بر ۶ زبان انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، روسی، عربی و چینی است، ترجمه می‌شوند. لکن برجام معاهده تعهدآور بین دو طرف است که یک طرف آن جمهوری اسلامی ایران و طرف دیگر پنج عضو دائم شورای امنیت به‌علاوه آلمان به‌نمایندگی از سازمان‌ملل است. در معاهده‌ها طرفین متعاهدتین تعهداتی را می‌پذیرند و براساس شرایط مندرج در قرارداد موظف به انجام اموری می‌شوند. قاعده حقوقی بین‌المللی این است که متون تعهدشده حداقل به دو زبان طرفین متعاهدتین باشد. این یک رویه بین‌المللی است و در جمهوری اسلامی نیز که طی دهه‌های گذشته تعهدات مختلفی داشته، همواره این رسم رعایت شده است.

۳- شواهد مثال متعددی در این موضوع می‌توان متذکر شد، نظیر قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که بین ایران و عراق امضا شده و دو نسخه عربی و فارسی آن موجود و معتبر است. این معاهده مبتنی‌بر قرارداد ۱۹۱۳ استانبول بین ایران و عثمانی و ایضا پروتکل الحاقی ۱۹۱۴ است که نسخه فارسی آنها بین دول ایران و عثمانی در اسناد وزارت امور خارجه وجود دارد. قرارداد ۱۹۱۳ و پروتکل الحاقی ۱۹۱۴ مبنای مرزهای زمینی معاهده ۱۹۷۵ است. تفاوت قرارداد ۱۹۷۵ با معاهدات قبلی در این بود که خط‌القعر اروندرود، مرز مشترک ایران و عراق است. نمونه دیگر قرارداد ۱۳۵۱ بین ایران و افغانستان بر سر حقابه هیرمند است که بین هویدا، نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی و نخست‌وزیر دولت وقت افغانستان منعقد شد. این قرارداد نیز نسخه فارسی آن در اسناد وزارت امور خارجه موجود است. قرارداد آخال بین ایران و روسیه بر سر مرزهای ایران و ترکمنستان و خوارزم قدیم یا قرارداد پاریس بین ایران و انگلیس در رابطه با هرات یا قرارداد مک ماهون- گلداسمیت مربوط به تعیین حدود ایران و شبه‌قاره هند در بلوچستان، نمونه‌های دیگری هستند که متون تعهدات، حداقل دوزبانه بوده و نسخه فارسی آنها در اسناد وزارت امور خارجه وجود دارد.

۴- اما در بیان دلایل منطقی دوزبانه بودن معاهدات طرفین متعاهدتین باید یادآور شد که منطبق بر قانون اساسی کشور، هر قرارداد تعهدآوری که بین ایران و یک یا چند کشور خارجی یا یک سازمان بین‌المللی امضا می‌شود باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، از این رو حتما باید نسخه‌ای به زبان رسمی و فارسی داشته باشد تا اجازه دهد اعضای محترم هیات دولت و کمیسیون‌های مربوطه در دولت و مجلس محترم شورای اسلامی و اعضای کمیسیون‌های مربوطه با بررسی متن، تک‌تک کلمات و بار حقوقی آنها در جریان کامل تعهدات و تکالیفی که دولت گرامی و مجلس محترم به‌نمایندگی از ملت شریف ایران می‌پذیرند، قرار بگیرند. به‌علاوه عامه مردم و رسانه‌ها نیز باید در جریان این متون باشند و حق دارند که بدانند به‌نام آنها و از طرف آنها، مسئولان محترم چه تعهداتی را برعهده گرفته‌اند و مسیر نقد و نصح رسانه‌ها و نخبگان از طریق این نسخ تسهیل شود.

ادامه در صفحه ۳

نگاه

چند کیلومتر پایین‌تر از سالن اجلاس سران

حمید بوالی
روزنامه‌نگار

وقایع تاریخی همیشه این‌قدر درست پشت سر هم و بدون فاصله رخ نمی‌دهند. درست در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب سال ۵۷، برگزاری دو مراسم به فاصله چند کیلومتر، نشانه‌های آشکاری برای آغاز شدن مرحله‌ای دیگر در تاریخ ایران را نمایان کرد.

سه روز پیش در یکی از این شب‌های گرم اما توفانی بهاری در تهران؛ در یکی از بزرگ‌ترین سالن‌های تهران که بعد از برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی به نام سالن اجلاس سران معروف شده است؛ جمعی از اهالی فرهنگ و هنر به افطاری رئیس‌جمهور روحانی رفتند. یک مراسم افطاری که حاشیه‌هایش پیش از شروعش آغاز شده بود. تعدادی از سینماگران با انتشار تصاویر دعوتنامه‌های دفتر رئیس‌جمهوری اعلام کرده بودند که این مراسم را تحریم خواهند کرد. اما تعداد قابل توجهی از سینماگران نیز در این مراسم حضور پیدا و پیش از آغاز شروع صحبت‌های آقای روحانی، سخنرانی کرده بودند. نکته مشترک دو سخنران سینمایی حاضر، تقاضا برای بازگشت بهروز وثوقی، بازیگر فیلم‌های قبل از انقلاب به ایران بود. این نکته مشترک سرانجام با اهدای نامه‌ای که در آن به‌صورت رسمی، تقاضای بازگشت بهروز وثوقی در آن تکرار شده و به امضای بیش از ۱۰۰ نفر از سینماگران رسیده بود تکمیل شد. این دومین نامه سینماگران در همین موضوع بعد از نامه کانون کارگردانان و سومین نامه آنها به رئیس‌جمهور در روزهای گذشته بود. در اولی آنها خواستار حضور جعفر پناهی در جشنواره کن شده بودند.

به این ترتیب، حالا سینماگران ایرانی در رسمی‌ترین تریبونی که در جمهوری اسلامی پیدا کرده بودند، مهم‌ترین تقاضایی که داشتند را به عالی‌ترین مقام رسمی اجرایی کشور اعلام می‌کردند: بازگشت یک هنرپیشه فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب که در همین چند سال نیز در یک فیلم حساسیت برانگیز دیگر به نام «فصل کرگدن» ایفای نقش کرده بود. این یک نشانه درجه یک بود برای نمایش اینکه سرانجام بعد از ۴۰ سال سینمای ایران در کدام نقطه متوقف شده است. پایانی برای همه ادعاهای گوش فلک پر کن روشنفکرانه سینمایی که طعم گس شکست در همراهی مردم با محصولات تولیدی‌اش را سال‌های سال در گیشه‌های بی‌فروغ سینماها چشیده و حالا در این نقطه به «بهروز وثوقی» رسیده بود. سینمایی که پایانش را باور نمی‌کرد و با در و دیوار زدن و بازی‌های تلگرامی و اینستاگرامی سعی در پنهان کردنش داشت و حالا خود به روشنی اعلام می‌کرد که پایان یافته است و نه پایان یافته است بلکه قصد دارد همه چیز را هم پایان دهد.

این ماجرا اما یک نشانه دیگر هم برای ما داشت. جدای از اینکه این شب تاریخی نشان می‌داد که بخشی از جامعه فرهنگی ایران، حالا دیگر ابایی از این ندارند که «ور» خصوصی و معمولا پنهان شده افکار و ایده‌ها و زندگی‌شان را در حوزه عمومی جامعه هم فریاد بزنند و فاصله میان حوزه خصوصی هنرمندان و سینماگران با حوزه عمومی را تا این حد کاهش دهند؛ افطاری سال ۹۷ رئیس‌جمهور نشان می‌داد که سینما به وضعیتی رسیده است که در یکی از مهم‌ترین تریبون‌های به‌دست آمده‌اش برای ابراز وجود و مطالبه در حکومت، تنها تقاضای رسمی‌اش هیچ ربطی به خود سینما ندارد و حاضر است این تنها فرصت سال را هم قربانی کند تا فقط و فقط از متلک‌های اینستاگرامی و فشار فضای مجازی نجات پیدا کند و این پایان طبیعی مسیر حذف آرمان‌هاست: قربانی کردن خود. مسلم است که بازگشت این سینماگر پرحاشیه نه تنها چیز زیادی به سینمای ایران اضافه نخواهد کرد، بلکه حساسیت‌ها درباره آن را افزایش هم خواهد داد و کار برای سینما را سخت‌تر خواهد کرد و این ماجرای واقعا عجیبی است. در شرایطی که سینما این‌چنین در تنگنا قرار گرفته است، تنها مطالبه سینماگران نه فریاد برای اهمیت دادن بیشتر به سینما و هنر، آزادی و کاهش سانسور، اجازه به حضور صریح‌تر هنر، برابری و عدالت در سرمایه‌گذاری در فضای سینمای دولتی کشور یا هر نوع هدف سینمایی دیگری است که کمی وضعیت بغرنج سینما را بهبود بخشد بلکه بازگشت یک هنرپیشه فیلم‌های نه‌چندان سینمایی پیش از انقلاب است و این نقطه اوج اتفاقی بود که در همه این سال‌ها با ترس و تردید دنبال می‌شد...

ادامه در صفحه ۱۰